

سازمان‌دهی سیاسی فضا و چالش‌های ناحیه‌ای در ایران (مطالعه موردی: استان‌های ایلام و آذربایجان غربی)

بهادر غلامی^{1*}، سید عباس احمدی²، حسین خالدي³

1- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

2- استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

3- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

دریافت: 93/3/17

پذیرش: 93/12/26

چکیده

عوامل چندی در حکمرانی خوب و دستیابی به اهداف آن مؤثرند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، سازمان‌دهی سیاسی فضا است. هر حکومتی سعی می‌کند تا براساس یک تصویرشناسختی مشخصی از فضای قلمرو خود، اقدام به سازمان‌دهی سیاسی فضا کند و موفق به درونی‌سازی و وابستگی به حس مکان شود. اما سازمان‌دهی سیاسی فضا در ایران در برخی مناطق، نامناسب انجام گرفته است. برای نمونه، در استان‌های آذربایجان غربی و ایلام، با دارا بودن منابع عظیم طبیعی، چالش‌های ناحیه‌ای بزرگی ایجاد شده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و هدف آن، بررسی چالش‌های ناحیه‌ای در این دو استان از دیدگاه سازمان‌دهی سیاسی فضا است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد سازمان‌دهی نامناسب سیاسی فضا به‌ویژه شکل طویل و دنباله‌دار این استان‌ها، چالش‌های زیادی را برای اداره امور آن‌ها به‌وجود آورده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: عدم ایجاد وحدت ساختاری و کارکردی، مرزهای طولانی و آسیب‌پذیری بیشتر، رقابت‌های قومی و ایلی، شکل نگرفتن حس تعلق، توسعه نامتوازن، شکل نگرفتن شبکه ارتباطی منظم، به‌وجود نیامدن قطب رشد، تداخل حوزه‌های انتخاباتی با حوزه‌های قومی و ایلی، قوم‌گرایی، ایل‌گرایی و غیره.

واژه‌های کلیدی: سازمان‌دهی سیاسی فضا، تقسیمات کشوری، استان ایلام، استان آذربایجان غربی.



1- مقدمه

تقسیمات کشوری مقدم بر نظام اداری کشور است و نظام اداری کشور نیز بر بستر جغرافیایی سرزمین بنا شده؛ بنابراین نظام اداری معلول تقسیمات کشوری است. بر این اساس، تقسیمات کشوری شرط ضروری و تشکیلات اداری شرط کافی برای سامان‌یابی نظام مدیریت کشور و تحقق توسعه ملی است. نظام تقسیمات کشوری تعیین‌کننده این موارد و اثرگذار بر آنهاست؛ ساختار سلسله‌مراتبی تشکیلات اداری، نحوه استقرار فضایی بخش‌های مختلف نظام اداری، حجم نیروی انسانی، توزیع منابع مالی بخش‌های عمرانی و جاری، تعامل قومی و فرهنگی و نظام مدیریتی و اگذاری اختیارات به سطوح پایین (تمرکز و عدم تمرکز)، به‌طور کلی، اثر هر نوع تقسیمات کشوری تمرکززدایی است. هدف کلی تقسیمات کشوری تهیه چارچوبی مناسب برای تداوم بقای ملی، امنیت ملی و تسهیل متوازن منطقه‌ای است (کریمی‌پور، 1381: 1-4). نقش تقسیمات کشوری در قالب سازمان‌دهی سیاسی فضا به‌ویژه به‌عنوان سیاست دولت‌ها در جوامع متنوع نژادی - قومی که به‌عبارتی، همان قلمروسازی هدفمند آنها نیز به‌شمار می‌آید، تصاویر متفاوتی از میزان هویت و تعهد ملی یا قومی در هر سرزمین ارائه می‌کند (حافظ‌نیا و همکاران، 1384: 12). از این رو، هر حکومتی جهت قلمروسازی و اداره بهتر قلمرو خود به سازمان‌دهی مناسب سیاسی فضا اقدام می‌کند و این امر را براساس عوامل مختلف جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... انجام می‌دهد؛ به‌طوری که سعی می‌کند قلمرو آن همانند اعضای بدن، از هماهنگی و عمل‌کرد مناسب برخوردار شود و متضمن وحدت ساختاری و کارکردی و در پی آن توسعه و امنیت کشور باشد. به این ترتیب، یکی از عوامل اساسی و مؤثر در مدیریت محلی فضاها - جغرافیایی، سازمان‌دهی سیاسی فضا است که ممکن است فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای اداره کشور ایجاد کند. سازمان‌دهی سیاسی فضا، جهت کنترل و اداره مؤثر سرزمین یکی از مهم‌ترین عوامل قلمروسازی به‌شمار می‌رود که اساس هر حکومتی را تشکیل می‌دهد و از چنان اهمیتی برخوردار است که همانند هوا برای تنفس است (Ansell & Palma, 2002: 2). سازمان‌دهی درست و بر مبنای شناخت دقیق فضا، با فراهم‌سازی شرایط لازم برای مشارکت مردم در سرنوشت خود و بارورسازی ظرفیت‌های درون‌مکانی، زمینه‌ساز توسعه محلی و منطقه‌ای و ملی است. در این میان، سازمان‌دهی نامناسب

سیاسی فضا در دو استان ایلام و آذربایجان غربی باعث پدید آمدن چالش‌هایی در این استان‌ها شده است. این دو استان غربی کشور با وجود دارا بودن منابع عظیم طبیعی، سطح توسعه خیلی پایینی دارند؛ زیرا بر مبنای شاخص‌های دقیق تقسیمات کشوری، سازمان‌دهی نشده‌اند و در نتیجه، تقسیمات کشوری به‌ویژه در این دو استان، در راستای اداره و توسعه این فضاها با چالش‌های زیادی مواجه است که در این پژوهش تحلیل و واکاوی می‌شود.

2- چارچوب نظری

2-1- سازمان‌دهی سیاسی فضا

سازمان‌دهی سیاسی فضا فرایندی است که طی آن بخشی از سطح زمین توسط مرز محدود، و برای ایفای نقش‌های سیاسی سازمان‌دهی می‌شود (احمدی‌پور و میرزایی‌تبار، 1389: 48). مهم‌ترین هدف از سازمان‌دهی سیاسی فضا در هر کشور، در درجه نخست عرضه بهینه خدمات به حداکثر شهروندان و سپس اداره و کنترل افرادی است که در چارچوب مرزهای سرزمینی زندگی می‌کنند (پورموسوی، میرزاده و رهنما، 1387: 77). کارکردهای سیاسی و غیرسیاسی واحدهای تقسیماتی فضای دولت ملی ایجاب می‌کند که به منظور بهینه‌سازی و ارتقای سطح کارکردهای آن در چارچوب کلیت دولت ملی، ساختار و سازمان مناسب تقسیماتی ترتیب داده شود تا این واحدها به صورت مجموعه‌ای هماهنگ در جهت اهداف محلی و ملی دولت و نظام سیاسی به وظایف خود عمل کنند (حافظ‌نیا، 1381: 370). توسعه و ارتقای سطح کارکردهای یک واحد تقسیماتی تا اندازه زیادی به چگونگی سازمان‌دهی سیاسی فضا و آرایش‌یابی بهینه قلمرو سرزمینی کشور بستگی دارد. بر همین اساس، دولت‌ها چه در دوره‌های تاریخی گذشته و چه در حال حاضر، به تقسیم فضای سرزمینی خود پرداخته و سازمان مناسبی را برای اداره امور آن تدارک دیده‌اند که ضرورت‌ها و اهداف مهم آن عبارت‌اند از:

1. اداره بهتر امور منطقه‌ای - محلی؛
2. کنترل سیاسی و اعمال نظریات و سیاست‌های دولت مرکزی و تحقق اهداف سطح ملی در فضاهای منطقه‌ای و محلی؛
3. فراهم‌سازی شرایط مساعد برای مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود؛



4. ایجاد فرایندهای توسعه منطقه‌ای و بارورسازی ظرفیت‌های درون منطقه‌ای؛
5. عرضه خدمات مطلوب و ارتقای سطح زندگی و تأمین بهینه نیازهای مردمی و محلی؛
6. ایجاد چارچوب فضایی مناسب برای تقسیم کار ملی (همان، 371).

2-2- ضعف سازمان‌دهی سیاسی فضا و آسیب‌پذیری امنیت ملی

میان دو حوزه آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدها مرز چندان نمی‌توان دقیقی قائل شد. ضمن اینکه این تعامل باعث می‌شود بسیاری از آسیب‌پذیری‌ها به تهدیدهای ملی تبدیل شوند (ولی‌پور زرومی، 1383: 32). در این میان، نقش سازمان‌دهی سیاسی فضا در قالب تقسیمات کشوری در مدیریت صحیح فضای کشور، و تعدیل و از بین بردن آسیب‌پذیری‌های ملی انکارناپذیر است. تصمیم‌گیری‌های مرتبط با فضای جغرافیایی کشور می‌تواند از بعد امنیت داخلی بسیار اثرگذار باشد؛ به این شرح که تصمیم‌های نادرست از آن جهت که ممکن است همگرایی ملی را کاهش دهد یا به واگرایی‌ها در مناطق مختلف منجر شود، در امنیت ملی مورد توجه است. آثار این نوع تصمیم‌ها همانند ایجاد قطب‌های رقیب در منطقه، خشونت و آشوب‌های اعتراض‌آمیز، تقاضای فزاینده برای استفاده بیشتر از منابع، کاهش مشارکت‌های مردمی در امور محلی، تشدید همگرایی افراطی قومی و مذهبی و... به‌نوعی ممکن است پیامدهای امنیتی برای کشور در سطح داخلی داشته باشد و حتی در سیاست‌های خارجی نیز مؤثر واقع شود (اخباری و یداللهی، 1384: 28). درواقع، تقسیمات کشوری به‌عنوان مهم‌ترین و گسترده‌ترین ابزار سازمان‌دهی سیاسی فضای کشور، با توجه به چگونگی اجرای آن، دو عمل‌کرد متفاوت را در تقلیل و از بین بردن یا گسترش و افزایش آسیب‌پذیری‌های ملی و تهدیدهای داخلی ایفا می‌کند.

2-3- تقسیمات کشوری

در مبحث ترسیم سازمان فضای جغرافیایی، بحث تقسیمات کشوری مطرح می‌شود که با توجه به تأثیر عوامل سیاسی مدخول و مرتبط، آن را تقسیمات سیاسی فضا می‌نامیم (شیرانی، 1382: 29). در سطح ملی، سازمان‌دهی سیاسی فضا گستراندن سازمان اداری در بعد جغرافیایی و

فضایی با تقسیم‌بندی فضای کشور است که به تقسیمات کشوری تعبیر می‌شود (حافظ‌نیا، 1381: 194).

تقسیمات کشوری به معنای مدیریت سرزمین است و این تقسیمات از آن رو صورت می‌گیرد که دولت درحالی که حاکمیت خود را در دورترین نقاط کشور اعمال می‌کند، بتواند خدمات لازم را به آسانی در اختیار همگان قرار دهد. اگر این تقسیمات به‌طور کارآمد طراحی شده باشد، می‌تواند پایه‌های حاکمیت دولت را در تمام نقاط کشور نیرومند کند (احمدی‌پور، 1379: 279). هدف اصلی تقسیم کشور به واحدهای همگن رشد هماهنگ، اداره قلمرو ملی و عرضه خدمات بهتر است که موجب امنیت، وحدت و مشارکت ملی می‌شود (احمدی‌پور، قنبری و حافظ‌نیا، 1389: 38).

هدف دولت‌ها از تقسیمات کشوری عبارت‌اند از:

اداره بهتر امور منطقه‌ای و محلی، نظارت سیاسی و اعمال سیاست‌های دولت مرکزی، ایجاد وحدت و امنیت ملی، توسعه هماهنگ و پایدار، فراهم کردن زمینه برای عرضه خدمات و تأمین بهتر نیازهای اساسی مردم و توسعه رفاه اجتماعی و اقتصادی، نظارت سیاسی برای رسیدن به اهداف ملی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها، ناراحتی‌ها، تجزیه‌طلبی‌ها و ...، فراهم کردن زمینه مساعد برای مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود و ایجاد توسعه منطقه‌ای و پایه‌گذاری چارچوب فضایی و جغرافیایی لازم برای گسترش سازمانی و اداری دستگاه‌های دولت مرکزی (حافظ‌نیا، 1381: 195).

در این میان، یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی کشورهای درحال توسعه، دستیابی به توسعه پایدار و عدالت اجتماعی است. به دلیل اهمیت کارکرد تقسیمات کشوری در توسعه، این کشورها با تأکید بر توسعه پایدار می‌کوشند ساختار تقسیماتی‌ای را انتخاب کنند که در دستیابی به مضمون پیش‌گفته در محیط جغرافیایی، تأثیر بهینه داشته باشد (اطاعت و موسوی، 1387: 60).

2-4- سازمان‌دهی سیاسی فضا¹ و تقسیمات کشوری

سازمان‌دهی سیاسی فضا شامل طیف گسترده‌ای از ابزارها و روش‌هایی می‌شود؛ مانند تقسیمات کشوری، بازارچه‌های مرزی، مناطق آزاد تجاری و هرآنچه در زمینه مدیریت

1. political organize of space



بهرتر فضا به کار آید. پیش‌رفت، توسعه، عدالت محیطی و برقراری امنیت، بنیاد مدیریت سیاسی فضای ملی است (کاویانی‌راد، 1389: 45). تقسیمات کشوری به‌عنوان یکی از این ابزارها، به سلسله‌مراتبی اداری - سیاسی در تقسیم هر کشور به واحدهای کوچک‌تر برای اداره آسان آن و تأمین امنیت و بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی گفته می‌شود. این تقسیم‌بندی گاه بر مبنای تاریخ و فرهنگ، اوضاع جغرافیایی و جمعیت، و گاه برحسب ملاحظات سیاسی صورت می‌پذیرد (وزارت کشور، 1387). تقسیمات کشوری یکی از ابزارهای حکومت در اداره فضای جغرافیایی کشور است و فقط درمورد کوچک‌ترین کشورهاست که امکان دارد از پایتخت آن، بدون اتخاذ یک یا چند طبقه واسط اداری، به‌طور کامل و مستقیم بر سرزمین آن کشور حکومت کرد (مویر، 1379: 151). کارکرد تقسیم‌بندی فضای کشور که شاید تمام نظام‌های سیاسی به آن توجه می‌کنند، عبارت‌اند از: تأمین امکانات و خدمات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطح سیاسی (احمدی‌پور و منصوریان، 1385: 369). درواقع، هدف کلی تقسیمات کشوری تهیه چارچوبی مناسب برای تداوم بقای ملی، امنیت ملی و تسهیل توسعه متوازن منطقه‌ای است (کریمی‌پور، 1381: 4).

3- روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف جزء تحقیقات کاربردی است و با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. با توجه به موضوع پژوهش، دو استان آذربایجان غربی و ایلام به‌عنوان استان‌های پایلوت انتخاب شده‌اند؛ زیرا از ویژگی‌های مشترکی همچون جغرافیایی، پراکنش قومی، شکل طولی و ... برخوردارند.

4- قلمرو تحقیق

4-1- استان ایلام

استان ایلام با مساحتی حدود 20/133 کیلومترمربع، حدود 1/2 درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. این استان از جنوب با خوزستان، از خاور با لرستان و از شمال با کرمانشاه

همسایه بوده و از سمت باختر دارای 425 کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق است. براساس سرشماری 1390، جمعیت استان ایلام 557/599 نفر بوده است که کم‌جمعیت‌ترین استان کشور به‌شمار می‌رود (مرکز آمار ایران، 1390). استان ایلام در حاشیه جنوب غربی رشته‌کوه زاگرس قرار دارد. قسمت زیادی از مساحت استان را مناطق کوهستانی یا تپه ماهورها تشکیل می‌دهند که با شیب‌های تندی به دشت‌های کم‌ارتفاع می‌رسند. رشته‌کوه‌های مرتفع و موازی کبیرکوه به طول 160 کیلومتر از شمال باختری تا جنوب خاوری استان را دربرگرفته‌اند و قسمتی از مناطق باختری و شمال باختری ایلام را از قسمت‌های دیگر مجزا می‌کند (گزارش اقتصادی و اجتماعی استان ایلام، 1385: 6-9).

براساس تقسیمات کشوری ایران در زمان مشروطه، ایلام در زیرمجموعه ایالت پشتکوه و لرستان قرار داشت. در تقسیمات کشوری دوره پهلوی (1316)، ایلام یکی از شش شهرستان استان پنجم (کرمانشاهان) بود (افشار سیستانی، 1372: 28). در سال 1343 در پی تقسیم‌بندی جدید، شهرستان ایلام به فرمان‌داری کل تبدیل شد. شهرستان ایلام با نه بخش تابعه منطقه وسیعی را با موقعیت خاص جغرافیایی و مرزی تشکیل می‌داد و رسیدگی به امور این منطقه بزرگ از عهده یک فرمان‌دار خارج بود و در آن طرف مرز هم کشور عراق دارای استان و شهرستان‌های متعددی بود؛ بنابراین از لحاظ سیاسی و امور مرزی رسیدگی کامل به این منطقه ایجاب می‌کرد که واحد مستقلی در ایلام و نقاط مرزی تشکیل شود تا مستقلاً به امور آنجا رسیدگی کند و با مراکز ارتباط مستقیم داشته باشد. این موضوع در کمیسیون تقسیمات کشوری بررسی و موافقت شد که ایلام با بخش‌های تابعه و سه بخش موسیان، دره‌شهر و ایوان - که از شهرستان‌های دشت‌میشان، خرم‌آباد و شاه‌آباد منتزع می‌شوند - در مجموع به یک فرمان‌داری کل، چهار شهرستان و سیزده بخش تابعه تبدیل شود و مرکز فرمان‌داری کل هم در ایلام باشد (علی یعقوبی و کریم یعقوبی، 1390: 76-77). به‌نظر می‌رسد در این سال پس از درگیری‌های مرزی و اهمیت استراتژیک منطقه، هم‌مرز بودن با عراق، تبدیل شدن شهرستان‌های شرقی آن کشور مثل علی‌غربی و علی‌شرقی به استان در نزدیکی مرز ایلام و توجه بیشتر مرکز به این منطقه، زمینه تبدیل فرمان‌داری کل ایلام به استان فراهم شد (خیتال، 1369: 14). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کلمه پشتکوه حذف و به ایلام معروف شد (علیزاده و ابراهیم‌زاده، 1377: 27). در حال حاضر، این استان ده شهرستان دارد.



4-2- استان آذربایجان غربی

استان آذربایجان غربی در دوران هخامنشیان، بخشی از ساتراپ «مملکت مدی» بود و براساس قانون تشکیل ایالات و ولایات در سال 1285ش، آذربایجان غربی بخشی از ایالت

«آذربایجان» بوده است (حافظ‌نیا، 1381: 373-374). در سال 1316 سه بار تقسیمات کشوری تغییر کرد:

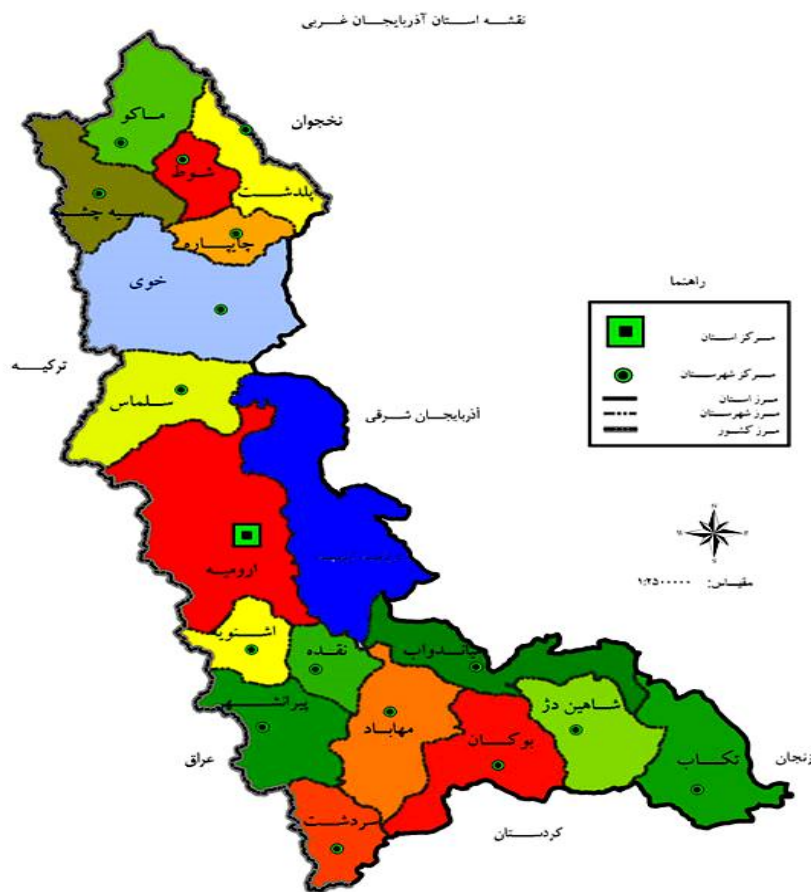
الف. ابتدا کشور به 27 قسمت کاملاً نابرابر از لحاظ سیاسی و اقتصادی تقسیم شد که آذربایجان غربی بخشی از منطقه «آذربایجان» بود.

ب. در نوبت دوم به موجب ماده یک قانون تقسیمات کشوری، مصوب 16 آبان 1316، کشور ایران به 6 استان و 50 شهرستان تقسیم شد که طبق ماده 2، شهرستان‌های خوی، رضائیه، مهاباد (استان آذربایجان غربی فعلی)، تبریز، اردبیل و مراغه استان شمال غرب را تشکیل دادند.

ج. سرانجام در مدت کمتر از دو ماه از ابلاغ قانون نخست، ایران طبق ماده یک، اصلاح قانون تقسیمات کشوری، مصوب 19 دی 1316، به 10 استان و 49 شهرستان تقسیم شد (کریمی‌پور، 1381: 90). استان آذربایجان غربی فعلی به انضمام شهرستان‌های بیجار و مراغه منطبق بر استان چهارم این تقسیمات بود. در سال 1325، استان‌های سوم¹ و چهارم² ادغام، و استانی به نام آذربایجان تشکیل شد. دوباره در سال 1337، استان آذربایجان به دو استان تفکیک شد. درواقع، هریک از استان‌های سوم و چهارم به استان‌های مستقل با نام‌های آذربایجان شرقی و غربی تبدیل شدند (احمدی‌پور، 1382: 7). در سال 1339، نام استان چهارم براساس ماده سیزدهم قانون وظایف و اختیارات استان‌داران، رسماً به آذربایجان غربی تغییر یافت (حافظ‌نیا، 1381: 385).

1. شامل شهرستان‌های تبریز، اردبیل و میانه.

2. شامل شهرستان‌های خوی، رضائیه (ارومیه)، مهاباد، بیجار و مراغه.



شکل 2 شکل طول استان آذربایجان غربی

5- یافته‌های تحقیق (چالش‌های ناحیه‌ای در استان‌های ایلام و آذربایجان غربی)

5-1- عدم وحدت ساختاری و کارکردی و همگنی جغرافیایی

سازمان‌دهی نامناسب سیاسی فضا و تقسیمات کشوری در ایران باعث شده تا دو استان ایلام و آذربایجان غربی نه فقط از همگنی جغرافیایی برخوردار نباشند؛ بلکه وحدت ساختاری و کارکردی نیز نداشته باشند. در نتیجه این امر، فضاهای شکل‌دهنده این دو استان همگرایی

مناسب نداشته و این عامل مانع عمل کرد بهتر نظام اداری شده است. برای مثال، آنچه باعث شکل‌گیری سازمان‌دهی سیاسی فضا در استان ایلام شده، دلایل نظامی، سیاسی و امنیتی بوده است. درواقع، ایلام یک واحد اداری - سیاسی است که بنابه ملاحظات سیاسی و اداری ایجاد شده و ریشه واقعی در تاریخ ندارد و از جدا کردن بخش‌هایی از استان کرمانشاهان و پیوند زدن آن با پشتکوه و دهلران، در ابتدا، فرمان‌داری کل (1343) و سپس استان ایلام (1353) به‌وجود آمده است. ارتباط میان نواحی استان به‌ویژه جنوب آن با شهر ایلام فقط درحد ضرورت‌های اداری است و با گذشت چند دهه از تشکیل استان، هنوز این پیوند عمیق نشده است. برای مثال، پیوند اهالی دهلران با اهالی اندیمشک، دزفول و شمال خوزستان بیشتر از مرکز استان است. کیفیت ارتباطی موجود نیز دسترسی به استان‌های مجاور را به‌مراتب آسان‌تر از رسیدن به مرکز استان می‌کند.

این امر درمورد استان آذربایجان غربی نیز صدق می‌کند؛ زیرا در طول تاریخ معاصر ایران، یکی از پارامترهای اصلی ناحیه‌بندی کشور، ملاحظات دفاعی - امنیتی بوده است؛ چنان‌که در مناطقی که خطر واگرایی گروه‌های قومی - مذهبی وجود دارد، تلاش شده است تا با تقسیم آن‌ها به چند ناحیه کارکردی و همچنین ادغام با سایر گروه‌های قومی - مذهبی، ضمن جلوگیری از واگرایی از طریق کنترل آن‌ها، قدرت آن‌ها را تقسیم کنند. این امری به‌وضوح در مرزهای شمال باختری کشور دیده می‌شود (پورموسوی، میرزاده و رهنما، 1387: 88). تقسیم نواحی فرهنگی آذربایجان و کردستان و قرار دادن آن‌ها در یک ناحیه کارکردی در قالب استان آذربایجان غربی، به‌منظور کنترل جنبش‌های پان‌ترکیسم آذری‌ها و ادعاهای خودمختاری طلبانه برخی گروه‌های کُرد بوده است. پیامدهای امنیتی قرار گرفتن آذری‌ها و کُردها در یک ناحیه کارکردی، موجب افزایش رقابت درون فضایی، تنش‌های قومی - مذهبی، درگیرهای نظامی و توسعه نامتوازن منطقه‌ای شده است (چوخاچی‌زاده‌مقدم و امینی قشلاقی، 1389: 204).

5-2- شکل هندسی نامناسب

منظور از شکل هندسی، فاصله قطره‌ای یک کشور تا مرکز جغرافیایی آن است. مهم‌ترین تأثیر شکل هندسی، در نحوه اعمال قدرت حکومت مرکزی بر پهنه کشور است (عزتی، 1385: 90)؛ زیرا شکل فضایی حکومت قادر است تا بر چشم‌انداز وحدت آن کشور اثر گذارد (بدیعی،



1362: 16) و همچنین ممکن است مشکلاتی در اداره امور کشور ایجاد کند (میرحیدر، 1381 الف: 82). در نتیجه، برای سازمان‌دهی بهتر سیاسی فضا، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها، شکل‌گزینی مناسب برای تقسیمات واحدهای سیاسی است؛ زیرا شکل هندسی در سرنوشت واحدهای سیاسی سهم بسزایی دارد و دارای نقش بسیار مهمی در اداره و توسعه آن‌هاست. اکثر کشورهای جهان از شکل‌های فشرده برای سازمان‌دهی فضای خود استفاده می‌کنند و از به‌کارگیری شکل‌های طویل و زائده‌دار می‌پرهیزند؛ زیرا این‌گونه شکل‌ها روند توسعه و اداره امور را با مشکل مواجه می‌کنند. در این میان، استان‌های ایلام و آذربایجان غربی شکلی طویل و کشیده دارند. علاوه بر این، استان ایلام دارای یک زائده و دنباله در بخش شمال شرقی‌اش است که آن را در زمره استان‌های دنباله‌دار قرار داده است. این شکل در توسعه‌نیافتگی آن‌ها بسیار دخیل بوده است و چالشی بزرگ برای مدیریت محلی به‌شمار می‌آید؛ زیرا باعث شده است تا ایجاد وحدت ساختاری و کارکردی بسیار مشکل شود و مشارکت مردمی برای توسعه استان نیز بسیار کم باشد. به‌طور کلی، شکل نامناسب این استان‌ها پیامدهای منفی‌ای داشته است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

5-2-1- شکل نگرفتن شبکه ارتباطی منظم

یکی از اساسی‌ترین زیرساخت‌های توسعه، وجود راه‌های مناسب و ایمن است؛ زیرا اجرای طرح‌ها و اساساً هر اقدامی به‌منظور تحول، به زمینه‌هایی نیاز دارد که از مهم‌ترین آن‌ها وجود راه‌های مناسب است (صحرايي، 1389: 48). درواقع، شبکه راه‌ها در سازمان‌یابی فضا تأثیر مستقیم دارد؛ زیرا از نظر اقتصادی، راه‌ها زیرساخت لازم برای جابه‌جایی مازاد اجتماعی و ثروت جامعه به‌شمار می‌آیند (ملکی و احمدی، 1389: 52). اما در واحدهای سیاسی دارای شکل طویل، ایجاد سامانه پیش‌رفته، ارتباطی و حمل‌ونقل به‌خصوص در مناطقی که در دورترین فاصله از یکدیگر قرار گرفته‌اند، با موانع بزرگی روبه‌روست (میرحیدر، 1381 الف: 86). این مسئله با توجه به موقعیت کوهستانی نوار غربی، مانع از شکل‌گیری شبکه منظم ارتباطی در استان‌های ایلام و آذربایجان غربی شده است. بر این اساس می‌توان گفت راه‌های ارتباطی نامناسب یکی از مؤثرترین عوامل توسعه‌نیافتگی این استان‌هاست.

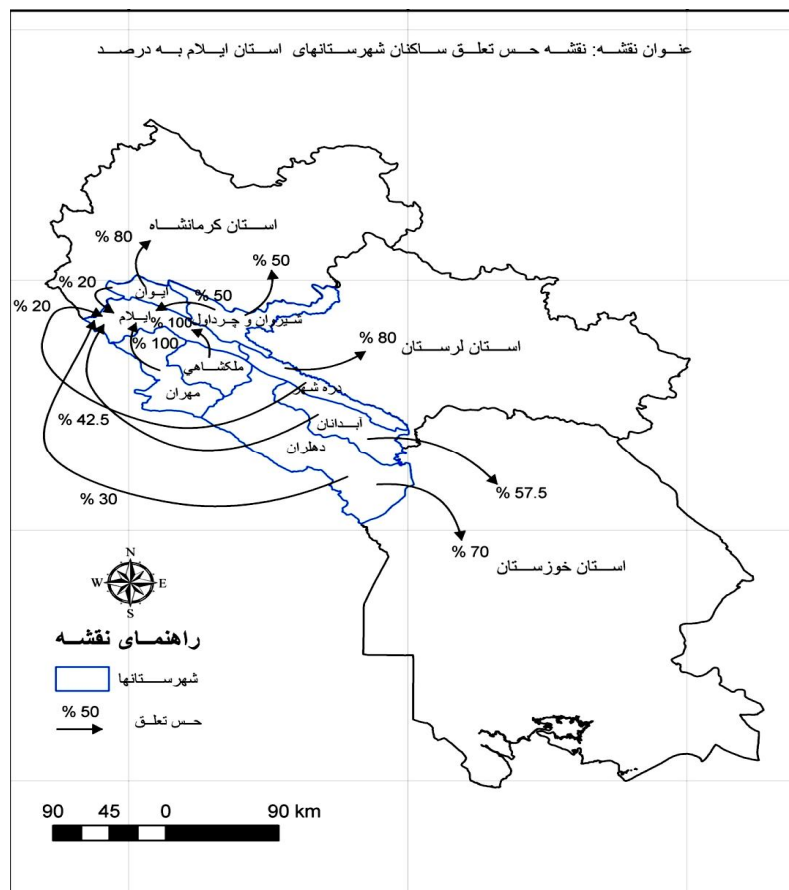
5-2-2- شکل نگرفتن قطب رشد

قطب رشد معمولاً مکانی با بهره‌گیری زیاد از رشد اقتصادی و انباشتگی سرمایه است که در تعامل با مناطق پیرامون، رفاه و رشد اقتصادی را از هسته به حاشیه گسترش می‌دهد (Gantsho, 2008: 4). در واحدهای سیاسی تقسیمات کشوری (استان‌ها)، شکل‌گیری یک مرکز و قطب رشد فعال که محل مرکزی فعالیت‌های اقتصادی باشد، برای مدیریت بهتر محلی و دستیابی به توسعه لازم است. اما شکل هندسی طویل و موقعیت کوهستانی استان‌های ایلام و آذربایجان غربی مانع از شکل‌گیری قطب رشد و مرکز فعال شده است؛ زیرا امکان تعیین یک مرکز هندسی و در نتیجه، واقع شدن مرکز سیاسی در آن وجود ندارد. برای شکل‌گیری قطب رشد و مرکز فعال در استان به همگرایی شهرستان‌های پیرامون به مرکز نیاز است تا انباشت سرمایه در مرکز و در نتیجه، رشد اقتصادی آن صورت گیرد. زمانی که رشد اقتصادی در کانون به وجود آید، این رشد و توسعه در همه نقاط ناحیه گسترش می‌یابد و همه سطوح ناحیه‌ای از برنامه‌ریزی توسعه بهره‌مند می‌شوند. اما انباشت سرمایه ناشی از حرکت سرمایه‌ها از طرف پیرامون در استان ایلام محقق نشده و حرکت سرمایه‌ها و روابط اقتصادی - تجاری شهرستان‌ها به سمت استان‌های هم‌جوار است. نتایج بررسی‌های انجام‌شده در زمینه روابط اقتصادی، تجاری، خرید و فروش کالا و مواد مورد نیاز، محصولات کشاورزی و دام‌داری، تولیدات صنعتی ساکنان شهرستان‌های استان‌ها نشان می‌دهد روابط اقتصادی و تجاری با مرکز استان کمتر است، علاوه بر این، حرکت سرمایه‌ها و تمایل برای سرمایه‌گذاری، براساس بررسی‌های انجام‌شده، به میزان زیادی نگاه به بیرون داشته و این امر بیشتر به سمت استان‌های هم‌جوار بوده است؛ در نتیجه به جای همگرایی روابط اقتصادی و حرکت سرمایه‌ها به سمت استان، شاهد واگرایی در این زمینه بوده‌ایم.

5-3- شکل نگرفتن حس تعلق

احساس تعلق و هویت مکانی افراد ساکن در محدوده سرزمینی یکی از مؤلفه‌های انسانی اثرگذار در فرایند سازمان‌دهی سیاسی فضا است (احمدی‌پور و میرزایی تبار، 1389: 48). این حس یکی از عوامل مهم در ایجاد محیط‌های با کیفیت زیاد و در نتیجه، توسعه فضاهای جغرافیایی است. در حال حاضر، یکی از مهم‌ترین مسائلی که در بحث تقسیمات کشوری در استان‌های غربی کشور

وجود دارد، رابطه مرکز استان با برخی مناطق پیرامونی و حاشیه‌ای و حس تعلق ساکنان آن‌هاست. این امر به‌ویژه در استان ایلام و آذربایجان غربی که دارای شکل‌های طولی هستند، بیشتر مصداق دارد. درواقع، نبود حس تعلق در بین اکثر ساکنان شهرستان‌های این دو استان به‌دلیل شکل هندسی طولی و دنباله‌دار آن و درنتیجه، شکل نگرفتن شبکه ارتباطی منظم و مناسب و واگرایی شهرستان‌های استان نسبت به استان‌های هم‌جوار است. حال آنکه اگر شکل هندسی آن‌ها جمع‌وجور و فشرده بود، حس تعلق به استان قوی‌تر می‌شد.



شکل 3 بررسی حس تعلق ساکنان شهرستان‌های استان ایلام (به درصد)
(منبع: پیشگاهی فرد و غلامی، 1391: 84)

در استان آذربایجان غربی، ساکنان و مسئولان شهرستان خوی در شمال استان آذربایجان غربی بارها تمایل خود را برای تأسیس استانی جدید به مرکزیت شهر خوی اعلام کرده‌اند. با توجه به شکل هندسی استان و توپوگرافی فرهنگی و کوهستانی به‌ویژه جنوب آن، گردهای آذربایجان غربی از گذشته‌های دور خواهان احداث استانی به مرکزیت شهر مهاباد بوده‌اند. این موارد حاکی از عدم شکل‌گیری حس تعلق در بین ساکنان استان‌های نام‌برده است که خود یکی از موانع بزرگ در توسعه و به‌تبع آن امنیت در ابعاد مختلف به‌شمار می‌رود.

5-4- مرزهای طولانی و چالش‌های آن

ایلام با داشتن 425 کیلومتر مرز با عراق، طولانی‌ترین مرز را با این کشور دارد و آذربایجان غربی با چهار کشور آذربایجان، ارمنستان، عراق و ترکیه حدود 823 کیلومتر مرز دارد. این امر باعث شده تا در مواقع بحران و جنگی و حملات تروریستی، این دو استان بسیار آسیب ببینند. برای مثال، با هجوم سراسری رژیم بعث عراق، به‌دلیل شکل هندسی طویل و باریک استان ایلام و آذربایجان غربی، تقریباً کل فضای استان ایلام و جنوب استان آذربایجان غربی در معرض هجوم و حملات زمینی و هوایی دشمن قرار گرفت و مناطق وسیعی از آن به تصرف این کشور درآمد. همچنین این امر باعث شده تا مدیریت نظامی و امنیتی بر این مناطق حاکم شود. نبود استراتژی مناسب و منسجم در مدیریت مرزی سبب شده است بیشتر برنامه‌ها و راه‌کارهایی که با هزینه‌های مالی و انسانی فراوان در جهت مقابله با تهدیدهای مرزی انجام می‌شود، به‌علت نبود نگرش همه‌جانبه و بخشی‌بودن ناکام بماند. این برنامه‌ها به‌طور گذرا، تغییراتی در سطح محدود ایجاد می‌کنند؛ اما به‌مرور در جهت معکوس در روند تقویت تهدیدهای مرزی قرار می‌گیرند. براساس این تفکر، قرار دادن مرزها و مناطق مرزی در حصار امنیتی و حفاظت شدید نظامی باعث از بین رفتن فرصت‌ها و نابودی امکانات و ظرفیت‌های بالقوه یا عدم استفاده از آن‌ها می‌شود و در نتیجه فضای نظامی و امنیتی حاکم بر مناطق مرزی، یک سیکل معیوب توسعه‌نیافتگی، فقر، تهدید و ناامنی را برای کشور و به‌خصوص مناطق مرزی به‌بار می‌آورد (اخباری و نامی، 1388: 43-50). درواقع، دیدگاه‌های تهدیدمحور درباره مناطق مرزی یکی از عوامل زمینه‌ساز گسترش تنش‌های سیاسی و نظامی است. تراکم زیاد عمده قوای نیروهای مسلح در این مناطق و اتخاذ استراتژی سخت‌افزاری در کنترل مرزها با



ابزار، تسلیحات و تجهیزات مختلف نظامی، باعث افزایش حساسیت‌ها و برانگیختن احساسات ضددولتی گروه‌های جدایی طلب شده و همین عامل مانع اصلی شکل‌گیری صلحی جامع و فراگیر در منطقه شده است (چوخاچی زاده مقدم و امینی قشلاقی، 1389: 203).

5-5- تشدید رقابت‌های قومی و ایلی برای ارتقای واحدهای تقسیمات کشوری

نظام تقسیمات کشوری موجود و روند روبه‌رشد واحدهای سیاسی - اداری باعث گسترش رقابت‌های ناحیه‌ای برای شکل‌گیری و ارتقای واحدهای سیاسی شده است. این خواست‌ها زمینه پیدایش کانون‌های جدید ناامنی ناحیه‌ای و محلی است. در کشوری که همچنان اندیشه‌های ایلیاتی و قومی در آن نفوذ دارد، رقابت‌های ناحیه‌ای و محلی ابزاری مناسب برای رشد این تقاضاها شده است. درواقع، ارتقای سیاسی یک ناحیه زمینه درخواست رقابت‌جویانه نواحی همسایه را فراهم می‌کند (کریمی‌پور و محمدی، 1388: 179-180). بنابراین، یکی از چالش‌های کنونی تقسیم‌بندی فضای سرزمین در ایران به‌ویژه در مرزهای غربی کشور، تقاضا برای ایجاد و ارتقای واحدهای سیاسی و رقابت‌های ناشی از آن است. علت اصلی این‌گونه رقابت‌ها میان واحدهای تقسیمات کشوری برای ارتقای وضع موجود این است که در ایران یک واحد تقسیمات کشوری ابتدا باید ارتقا پیدا کند، سپس به امکانات، تسهیلات و همچنین بودجه بیشتری دست یابد؛ درحالی که از لحاظ علمی و منطقی، واحد تقسیمات کشوری باید دارای پاره‌ای امکانات و تسهیلات شود و سپس در میان واحدهای تقسیمات کشوری ارتقا پیدا کند (اعظمی و دبیری، 1390: 75). این امر باعث تشدید اختلاف‌های محلی در نتیجه اتصال و انقطاع واحدهای سرزمین به‌منظور دستیابی به آستانه جمعیتی و تراکم لازم برای ارتقا شده است (رهنما و احمدی‌پور، 1382: 47).

رقابت‌های قومی - ایلی و ناحیه‌ای در استان‌های آذربایجان غربی و ایلام نمود ویژه‌ای دارد. برای درک این گفته کافی است به سازمان‌دهی سیاسی فضا و انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهرستان ملکشاهی استان ایلام توجه کنیم. این شهرستان تا قبل از سال 1388 یکی از بخش‌های شهرستان مهران بود که در این سال از شهرستان مهران جدا شد و به شهرستان مستقل در تقسیمات سیاسی استان ایلام ارتقا یافت. این شهرستان محل سکونت ایل ملکشاهی است و عوامل زیادی در تبدیل کردن این بخش از مهران به شهرستان دخیل بوده‌اند که ازجمله

آن‌ها می‌توان به فشار مقامات وقت استان که اکثر آن‌ها از این ایل بودند (جغرافیای حمایت) و دست‌کاری در آمارهای جمعیتی اشاره کرد. چون اکثر شهرستان‌های استان ایلام محل سکونت ایل خاصی‌اند، سازکار ایجاد شهرستان ملکشاهی باعث تشدید ایل‌گرایی در این استان شده است. عامل ایل‌گرایی یکی از موانع اصلی توسعه است؛ زیرا تحولات مدیریتی، اشتغال و... بر مبنای صلاحیت و تخصص افراد صورت نمی‌گیرد و همه‌چیز مبنای ایلی دارد. این امر به‌ویژه در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا بیشتر نمایان است؛ زیرا انتخاب یک نماینده از یک ایل خاص پلی برای توسعه و پیش‌رفت آن‌هاست. این امر باعث شده تا در زمان انتخابات چالش‌هایی برای استان و امنیت آن به‌وجود آید که از مهم‌ترین آن‌ها حادثه دو سال گذشته در انتخابات دور دوم مجلس شورای اسلامی در شهرستان ملکشاهی است که بعد از ابطال رأی نماینده آن‌ها، چند روز اغتشاش و درگیری در این شهرستان رخ داد. چنین حادثه‌ای در دو دوره قبل در شهرستان ایوان غرب نیز رخ داده بود.

در استان آذربایجان غربی جغرافیای حمایت باعث شده است شهرستان میاندوآب که جمعیت آن ترکیبی از آذری و کرد است، علاوه بر انضمام دهستانی کاملاً کردنشین از شهرستان مهاباد به خود، در واکنش به تصویب هر طرح و امتیاز عمرانی برای شهرستان مهاباد در برابر این شهرستان قرار گیرد و طرحی مشابه را خواستار شود که نمونه بارز آن اعتراضات مسئولان این شهرستان و تکاپوی آن‌ها پس از تصویب طرح احداث پتروشیمی در شهرستان مهاباد است که در نهایت، به تصویب طرح احداث پتروشیمی میاندوآب در فاصله چند کیلومتری از پتروشیمی مهاباد منجر شد. هنگامی که وزارت کشور برای کاهش درخواست‌های ایجاد استان‌های جدید، طرح فرمان‌داری ویژه را برای ارتقای سطح تقسیمات کشوری شهرستان‌های دارای ظرفیت تبدیل شدن به مرکز استان جدید اجرا کرد، مهاباد به‌عنوان یکی از 49 شهرستان ایران در اولین تقسیمات کشوری مدرن کشور، به فرمان‌داری ویژه تبدیل شد. مسئولان شهرستان میاندوآب با استفاده از جغرافیای حمایت و قدرت خود بعد از مدتی اندک، خواستار تبدیل شدن فرمان‌داری این شهرستان به فرمان‌داری ویژه شدند. قوم‌گرایی و ناحیه‌گرایی در استان آذربایجان غربی به‌حدی است که در جنوب این استان، شهرستان‌های نقده و بوکان نیز خواهان تبدیل به فرمان‌داری ویژه‌اند. رقابت‌های قومی و مذهبی در استان آذربایجان غربی در



جریان انتخابات مجلس و شورا به‌ویژه در شهرستان‌هایی که ترکیب جمعیت کرد و آذری در آن‌ها نزدیک است (مثل ارومیه و نقده)، برجسته‌تر می‌شود.

5-6- نبود عدالت فضایی

از بررسی برخی شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی آشکار می‌شود که در استان‌های کشور در زمینه‌های گوناگون نابرابری‌هایی وجود دارد. در این زمینه، نوار مرزی غرب کشور اغلب دارای سطح رفاهی نامساعدتری در مقایسه با بدنه اصلی کشور است. این عوامل همراه دیگر عوامل قومی - مذهبی می‌تواند به مرور زمان پتانسیل‌های واگرایی را فعال کند و مشکلات را در نواحی مرزی سبب شود (کرمی، 1388: 99). درواقع، نواحی حاشیه‌ای غرب کشور که منطبق بر استقرار اقلیت‌های قومی - مذهبی است، اغلب در مقیاس ملی کمتر توسعه یافته و حتی توسعه نیافته‌اند. تمرکز مراکز صنعتی و تولیدی و زیرساخت‌های مهم اقتصادی در استان‌هایی خاص، توزیع نابرابر خدمات رفاهی و آموزشی در گستره سرزمین، افزایش اختلاف شاخص‌های رفاه در بین استان‌های محروم با استان‌های برخوردار، تقسیم ناعادلانه فرصت‌های مدیریتی و سهم نابرابر مناطق محروم در مشارکت‌های سیاسی و توزیع قدرت همگی عواملی‌اند که به تشدید فقر و محرومیت در مناطق محروم و مرزی، افزایش مهاجرت‌ها و عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در مناطق مرزی منجر می‌شوند. با نگاهی به روند برنامه‌ریزی توسعه در چند دهه اخیر، غفلت از توسعه متوازن و توزیع غیرعادلانه فرصت‌های رشد و بالندگی، مردم مناطق محروم را در گذران زندگی و امید به آینده با مشکل مواجه کرده است. در این بین، استان‌های آذربایجان غربی و ایلام با وجود غنای کافی از حیث زیرساخت‌های طبیعی، دارای پایه‌های اقتصادی نابسامان و حتی متزلزل‌اند. سرمایه‌گذاری اندک دولت و بخش خصوصی به بهانه‌های مختلف، از جمله فقدان امنیت و به صرفه نبودن فرصت‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی، امید این استان‌ها را در بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله صنعت به یأس تبدیل کرده است. بنابراین، وجود ناهنجاری‌های اقتصادی از قبیل قاچاق کالا، مشروبات الکلی، سیگار، مواد مخدر، مواد سوختی و... از پیامدهای محتمل چنین اقتصاد نابسامانی است؛ زیرا اگر قاچاق کالا برای یک مرکز نشین تهرانی تولیدکننده به معنای زیان به اقتصاد ملی یا عدم فروش محصولات تولیدی تعبیر می‌شود، برای یک مرزنشین به معنای زندگی، معیشت و حتی

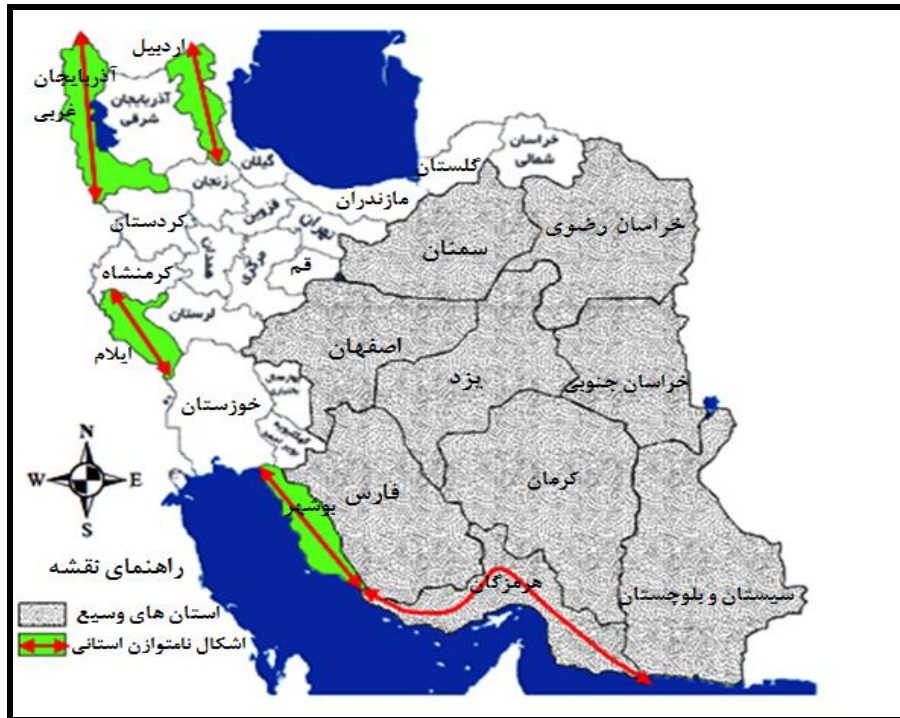
زنده ماندن است؛ چون تنها کار موجود در این مناطق، همین است (چوخابی زاده مقدم و امینی قشلاقی، 1389: 201). بنابراین، توسعه نامتوازن کشور که به نابرابری‌های زیاد منطقه‌ای منجر می‌شود، زمینه را برای بهره‌برداری‌های سیاسی توسط بخشی از نخبگان ناراضی مناطق قومی و گاه بیگانگان فراهم آورده است (میرزایی، 1384: 225).

5-7- نبود سازکار بهینه برای مشارکت دادن گروه‌های قومی - زبانی

یکی از چالش‌های سیاسی و امنیتی، بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی کشور است که باعث تشدید رقابت‌های ناحیه‌ای و محلی میان اقوام مختلف مستقر در درون واحد تقسیمات کشوری (استان) می‌شود. این چالش هنگامی زیاده‌تر می‌شود که اقوام مختلف در واحد تقسیمات کشوری (استان) به امکانات و منصب‌های مدیریتی دسترسی برابر و عادلانه‌ای نداشته باشند. همچنین، این وضعیت از مشارکت تمام اقوام ایرانی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی خواهد کاست و موجب کاهش هم‌بستگی ملی خواهد شد (اعظمی و دبیری، 1390: 80). این وضعیت در استان‌های ایلام و آذربایجان غربی نیز کاملاً مشهود است؛ به طوری که مدیریت این مکان‌ها اغلب در دست افراد غیربومی یا گروه قومی خاص است. علاوه بر این، این استان‌ها از نظر پراکنش قومی ناهمگن‌اند. این درحالی است که تقسیم سیاسی فضا باید بتواند برای مشارکت نهادهای و مستمر مردم، زمینه‌های مناسبی فراهم کند. لازمه دست‌یابی به چنین هدفی، کوچک‌تر شدن مقیاس دموکراسی تا سطح روستاهاست. خودگردانی باید به کوچک‌ترین واحدهای سیاسی درون کشوری برسد و البته، لازمه دست‌یابی به این هدف، اعتماد به مردم، انگیزه، کارایی، تصمیم‌سازی و نبوغ دسته‌جمعی آنان است (کریمی‌پور و محمدی، 1388: 205-206). اما قانون تقسیمات کشوری درباره رابطه مردم و ساکنان واحدهای تقسیمات کشوری یا ارتباط نهادهای مردمی و مدنی با سازمان حکومتی و مدیریتی آن سکوت کرده است؛ درحالی که تقسیمات فضا، نظام مدیریت و رابطه مردم و ساکنان با مدیریت سیاسی، خدماتی و اداری سطوح مختلف سازمان تقسیمات، اجزای تفکیک‌ناپذیری هستند که باید در قالب یک کلیت و با جامع‌نگری به آن‌ها نگریست (حافظ‌نیا، 1381: 399).

6- تجزیه و تحلیل

در ملاحظات مربوط به سازمان‌دهی سیاسی فضا، معمولاً قالب‌های فضایی فشرده، مدور، مربعی یا مربع مستطیل با کانون واقع در مرکز ثقل جغرافیایی واحد سیاسی کارایی بهتری دارند؛ بنابراین از ایجاد قالب‌های طویل به‌ویژه در نواحی مرزی، آن‌هم نامتجانس با بدنه کشور، باید پرهیز شود؛ زیرا خدمات‌رسانی و اداره امور این مناطق مشکل‌تر و خطر جدایی‌طلبی در آن‌ها تشدید می‌شود (حافظ‌نیا، 1381: 405). اما در طراحی واحدهای تقسیمات کشوری سطح اول (استان) در ایران به این موضوع توجه چندانی نشده است. استان‌های مرزی آذربایجان غربی، ایلام، هرمزگان، بوشهر، اردبیل، گیلان، مازندران و گلستان دارای شکل طولی‌اند و فاصله شرق و غرب یا شمال و جنوب این استان‌ها در مقایسه با مساحت آن‌ها بسیار طولانی است؛ به‌طوری که استان هرمزگان با وسعت 70697 کیلومتر مربع و بوشهر با 22743 کیلومتر مربع به خط مستقیم به‌ترتیب بیش از 960 و 420 کیلومتر طول دارند (وزارت کشور، 1385)؛ درحالی که محاسبه طول این استان‌ها با خط غیرمستقیم و منطبق بر ویژگی‌های طبیعی آن‌ها به‌ترتیب به بیش از 2000 و 1000 کیلومتر خواهد رسید. این امر باعث می‌شود نظام تقسیمات کشوری درعمل، در رسیدن به اهداف و اصول خود ناکام بماند. علاوه بر شکل‌های نامتوازن استانی، وسعت نابرابر و بی‌توازی در اندازه استان‌ها یکی دیگر از چالش‌های تقسیمات کشوری است؛ به‌طوری که نه استان وسیع کشور (شامل سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، فارس، اصفهان، خراسان رضوی، سمنان، خراسان جنوبی و هرمزگان) با وسعت 1/020/598 کیلومتر مربع بیش از 62 درصد از وسعت خشکی کشور را دربرگرفته‌اند و 22 استان دیگر کمتر از 38 درصد مساحت کشور را در اختیار دارند. این درحالی است که وسعت بزرگ‌ترین استان کشور (سیستان و بلوچستان) بیش از 31 برابر کوچک‌ترین استان کشور (البرز) است. وسعت زیاد استان‌ها در نواحی مرکزی، شرقی و جنوبی کشور مدیریت سیاسی فضا را با مشکل مواجه کرده است و باعث شده خدمات‌رسانی و تخصیص بودجه به‌شکل مناسبی صورت نپذیرد.



شکل 4 شکل‌های نامتوازن، طولی و وسیع استان‌های کشور
(منبع: وزارت کشور، 1385)

بر این اساس می‌توان گفت یکی از چالش‌های مهم سازماندهی سیاسی فضا در ایران این است که در طراحی واحدهای تقسیمات کشوری سطح اول (استان) در ایران به شکل‌های کالبدی آن‌ها توجه چندانی نشده است. در میان دیگر چالش‌های کارکردی، افزایش تمرکز اداری - سیاسی نقش بسیار مهمی دارد. از آنجایی که یکی از کارکردهای تقسیمات کشوری، تسهیل در امور منطقه‌ای و اداره بهتر ناحیه و در نتیجه تمرکززدایی است، تقسیمات کشوری در ایران تحت تأثیر طراحی حکومت مرکزی کارکردی کاملاً عکس نشان داده است؛ به این صورت که افزایش تعداد واحدهای تقسیمات کشوری در تمام سطوح، به جای تمرکززدایی، موجب افزایش بیش از پیش تمرکز حکومت شده است. این امر به دلیل نداشتن اختیارات لازم در تصمیم‌گیری‌های امور منطقه‌ای و محلی و همچنین در امور اداری - اجرایی سطوح مختلف



تقسیمات کشوری ایجاد شده است. درواقع، به دلیل آنکه این افزایش همراه با تفویض اختیارات نبوده، نظام تقسیمات کشوری نتوانسته است به کاهش تمرکزگرایی و دیوان‌سالاری حکومت کمک کند. به عبارت دیگر، در ایران یک واحد تقسیمات کشوری - که در یک فضای جغرافیایی مشخص شکل گرفته است - با تبدیل شدن به چند واحد، نه تنها در میزان اختیارت آنها تغییری صورت نمی‌پذیرد؛ بلکه با افزایش تعداد واحدهای سیاسی در همان فضای جغرافیایی باعث گسترش بوروکراسی و تمرکز بیشتر امور می‌شود. این تمرکز شدید علت شکل گرفتن چالش‌های دیگری در نظام تقسیم‌بندی سیاسی سرزمین نیز شده است؛ از جمله توسعه نامتوازن منطقه‌ای، بی‌توجهی به مشارکت مردم، بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی کشور، رخنه عوامل غیررسمی، بی‌ثباتی نظام تقسیمات کشوری و بنابراین، یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام تقسیمات کشوری نداشتن اختیار تصمیم‌گیری واحدهای تقسیمات کشوری و در نتیجه، کارکرد منفی آنها در افزایش تمرکز حکومت است.

امروزه، دولت‌ها قدرت بسیاری را به سازمان‌های اداری محلی انتقال می‌دهند؛ زیرا موفقیت هر کشوری در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نه فقط به دولت مرکزی بستگی دارد؛ بلکه به اثربخشی و بهره‌گیری مناسب از سازمان‌های اداری محلی نیز وابسته است. این امر به سطح قدرت و خدمات عرضه‌شده به سازمان اداری محلی بستگی دارد. در این بین، عوامل چندی در حکم‌رانی خوب محلی و دستیابی به اهداف آن مؤثرند که از مهم‌ترین آنها سازمان‌دهی سیاسی فضا است. هر حکومتی سعی می‌کند تا براساس تصویرشناختی مشخصی از فضای قلمرو خود اقدام به سازمان‌دهی سیاسی فضا کند؛ به طوری که موفق به درونی‌سازی و وابستگی به حس مکان شود؛ زیرا شکل‌گیری چنین امری نه تنها به مدیریت مؤثر دولت مرکزی منجر خواهد شد؛ بلکه سازمان اداری محلی نیز در امر مدیریت محلی به اهداف خود که توسعه و رفاه بیشتر جامعه است، خواهد رسید. اما سازمان‌دهی سیاسی فضا در ایران به شکل نامناسبی انجام گرفته؛ زیرا معیارهای تقسیمات کشوری ناقص است و نقدهای زیادی بر آن وارد است. در ادامه، به برخی از این انتقادات اشاره می‌شود:

1. تمرکز اداری و سیاسی یکی از مهم‌ترین ایرادهای سازمان‌دهی سیاسی فضا در ایران است؛ زیرا این امر براساس شناخت دقیق فضای جغرافیایی مناطق کشور و عدم واگذاری اختیارات به سطوح پایین‌تر صورت می‌گیرد که درمورد استان‌های مطالعه شدت بیشتری دارد؛

به‌طوری که اکثر برنامه‌های (طرح جامع، تفصیلی، هادی و...) شهرها و روستاهای آن‌ها توسط نیروهای مرکز نشین و بدون شناخت دقیق از فضای جغرافیایی این دو واحد سیاسی تألیف شده و نتیجه‌ای جز محرومیت و توسعه نداشته است.

2. شاخص کلیدی نظام تقسیمات کشوری ایران کمی (جمعیت) است که این امر موجب ایجاد فضایی همگن در کشور نمی‌شود. از سوی دیگر، این امر با توجه به قانون تقسیمات کشوری در مناطق مرزی کشور می‌تواند استثنا داشته باشد و با جمعیت کم هم، ایجاد و ارتقای واحدهای سیاسی امکان‌پذیر است که نمونه آن‌ها در منطقه مطالعه به‌ویژه در دولت‌های نهم و دهم بسیار وجود دارد. این عامل باعث شده تا بسیاری از روستاها و دهستان‌های مولد این دو استان به شهر تبدیل شوند. تبدیل سریع روستاها به شهر از یک سو باعث وابستگی آن‌ها در زمینه محصولات کشاورزی می‌شود و از سوی دیگر مشکلات عظیمی را در روستاها به‌جود می‌آورد که از جمله آن‌ها می‌توان به مانعی برای شکل‌گیری روستاهای مولد، تشدید تغییر کاربری اراضی کشاورزی، بار روانی بر ذهن ساکنان روستا، تشدید عدم توازن جمعیت شهری و روستایی اشاره کرد. از دیگر آثار این تحولات افزایش بیکاری، کاهش تولیدات و زمین‌های حاصل‌خیز کشاورزی و افزایش مطالبات جدید است.

3. مدیریت سیاسی فضا در منطقه مطالعه به‌شکل درستی انجام نمی‌گیرد؛ زیرا از یک طرف به‌دلیل متمرکز بودن نظام تقسیمات کشور و عدم واگذاری درست مدیریت به نخبگان - کسانی که از بیشترین شناخت درباره منطقه برخوردارند و توانمندی زیادی برای توسعه آن دارند - و از طرف دیگر فشار افراد مختلف بر مدیریت آن‌ها، تقسیم سیاسی فضا و مدیریت آن‌ها از مسیر درست خود خارج شده است. این امر یکی از مهم‌ترین عوامل بالفعل نشدن پتانسیل‌های فراوان این دو استان به‌ویژه از نظر منابع طبیعی در جهت توسعه و رفاه آن‌ها بوده است.

4. چگونگی سازمان‌دهی سیاسی فضا در ایران به‌گونه‌ای است که فضاها برای دستیابی به امکانات و خدمات بیشتر باید ارتقا یابند که این امر زمینه فشارهای سیاسی جهت ارتقای واحدهای سیاسی به‌صورت غیرعلمی و قانونی را فراهم آورده است. در دو استان مورد مطالعه نیز ارتقای واحدهای سیاسی به هدف اصلی اقوام و ایلات مختلف تبدیل شده و همین امر زمینه منازعات قومی و ایلی را فراهم کرده و بدین ترتیب، امنیت ملی را با تهدید مواجه کرده است.



5. شهر یکی از واحدهای سیاسی است که مهم‌ترین نقش را در توسعه کشور دارد. نظام تقسیمات کشوری در ایران باعث شده شهرهای زیادی بدون توجه به مفهوم واقعی شهر ایجاد شوند. این امر پیامدهای نامطلوبی در حوزه‌های مطالعه داشته است؛ زیرا ایجاد فضاهای شهری و ارتقای روستاها به شهر، در وهله نخست باید براساس شرایط لازم ازجمله جمعیت، موقعیت جغرافیایی مناسب، دسترسی مناسب، خدمات و امکانات لازم، پتانسیل‌های اقتصادی و ... صورت گیرد. درواقع، زمانی یک فضا از مطلوبیت برخوردار می‌شود که عوامل تشکیل‌دهنده آن در اعتدال باشند و فقط به یک جنبه آن تأکید نشود. اما در شکل‌گیری شهرهای منطقه مورد بررسی، با دخالت عوامل غیرقانونی، فقط بر یک جنبه تأکید می‌شود. بدین ترتیب، فضاهای مصنوع بدون اینکه ویژگی‌های لازم را دارا باشند، شکل گرفته‌اند؛ به‌طوری که بیشتر شهرهای این دو استان به فضاهای معلقی تبدیل شده‌اند که نه می‌توان به آن‌ها شهر گفت و نه روستا. نتیجه چنین وضعی، ایجاد دوگانگی رفتاری (سنت و مدرنیته) در شهروندان و دودستگی بین طیف‌های مختلف سنی است.

6. از معایب این دو استان شکل طویل و دنباله‌دار آن‌هاست و این شکل منحصربه‌فرد در توسعه نیافتگی آن‌ها بسیار مؤثر بوده؛ زیرا این نوع شکل پیامدهایی به این شرح دارد: عدم تحقق وحدت ساختاری و کارکردی در آن‌ها، شکل نگرفتن شبکه منظم ارتباطی، زیاد بودن هزینه‌های راه‌سازی، تخریب محیط زیست در نتیجه طرح‌های مختلف راه‌سازی، عدم انطباق قانون استان‌ها با مرکز هندسی آن‌ها و در نتیجه کاهش مراودات مختلف به‌ویژه از بعد اقتصادی و اجتماعی بین شهرستان‌ها و مراکز استان و در نتیجه عدم هم‌بستگی ساکنان آن‌ها در جهت توسعه، رفاه و ارتقای بیشتر این استان‌ها، کاهش مشارکت مردمی جهت توسعه استان‌های مورد نظر و ضمن اینکه این نوع شکل در مناطق مرزی کشور باعث شده تا آن‌ها مرزهای بسیار طولانی داشته باشند و با توجه به همسایه بودن این دو استان با کشورهای بحران‌خیز به‌ویژه کشور بی‌ثبات عراق - که به محلی برای فعالیت‌های گسترده گروه‌های تکفیری و تروریستی تبدیل شده است - همواره با تهدیدها و چالش‌هایی فراتر از مرزهای کشور مواجه باشند که مهم‌ترین آن‌ها احتمال گسترش بحران‌های قومی، فرقه‌گرایی، قاچاق مواد مخدر و کالا و ... است.

7. چگونگی سازمان‌دهی سیاسی فضا در منطقه مطالعه باعث شده تا واحدهای سیاسی شکل گرفته براساس پراکنش فضایی ایلات و اقوام به چالش بزرگی برای مدیریت سیاسی فضا به‌ویژه در زمان برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر تبدیل شوند؛ زیرا هرکدام از این واحدها که ایل یا قوم خاصی در آن غالب است، سعی خواهد کرد تا به هر طریق، نتیجه انتخابات را به‌سود خود درآورد. برای مثال، در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال 1387 و 1391 این امر در استان ایلام مشاهده و موجب منازعاتی شد که طی آن امنیت استان و در نتیجه، امنیت ملی را با تهدیدی جدی مواجه کرد.

7- نتیجه

توسعه نامتوازن استانی و شکل‌گیری پدیده مرکز - پیرامون، بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی کشور، رخنه عوامل غیررسمی، شکل‌گیری حفره‌های دولت، و رقابت‌های ناحیه‌ای و محلی نشان‌دهنده ضعف آشکار نظام تقسیمات کشوری در مدیریت فضای ملی است. توسعه نامتوازن استانی و شکل‌گیری پدیده مرکز - پیرامون که مهم‌ترین چالش اقتصادی نظام تقسیمات کشوری به‌شمار می‌آید، حاکی از ضعف تقسیمات کشوری در دستیابی به یکی از وظایف خود یعنی توسعه متوازن منطقه‌ای است. همراه شدن ضعف اقتصادی واحدهای مرزی و پیرامونی کشور با عوامل واگرایی سنتی (مذهبی، قومی و زبانی) می‌تواند این چالش اقتصادی را به چالشی امنیتی و سیاسی تبدیل کند. یکی دیگر از چالش‌های سیاسی و امنیتی بی‌توجهی به جغرافیای فرهنگی کشور است که باعث تشدید رقابت‌های ناحیه‌ای و محلی میان اقوام مختلف واقع درون یک واحد تقسیمات کشوری (استان) می‌شود. همچنین، این عامل و وضعیت از مشارکت تمام اقوام ایرانی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی خواهد کاست و در نتیجه موجب کاهش هم‌بستگی ملی خواهد شد. رخنه عوامل غیررسمی در نظام تقسیمات کشوری و شکل‌گیری حفره‌های دولت در واحدهای تقسیمات کشوری از دیگر عناصر تهدید سیاسی - امنیتی در الگوی تقسیمات کشوری است که مورد نخست از اهمیت قوانین تقسیمات کشوری می‌کاهد و فرایند ایجاد و ارتقای واحدهای تقسیمات کشوری را از روند علمی و منطقی خارج می‌کند.



درواقع، سازمان‌دهی سیاسی فضا برای مدیریت محلی استان‌های آذربایجان غربی و ایلام باوجود دارا بودن منابع عظیم طبیعی، چالش‌های بزرگی ایجاد کرده است. سازمان‌دهی نامناسب سیاسی فضا به‌خصوص شکل طویل و دنباله‌دار این استان‌ها، مشکلات زیادی را برای اداره امور آن‌ها به‌وجود آورده که از مهم‌ترینشان عبارت‌اند از: ایجاد نشدن وحدت ساختاری و کارکردی، مرزهای طولانی و آسیب‌پذیری بیشتر، رقابت‌های قومی و ایلی، عدم شکل‌گیری حس تعلق، توسعه نامتوازن، شکل نگرفتن شبکه ارتباطی منظم، عدم شکل‌گیری قطب رشد، تداخل حوزه‌های انتخاباتی با حوزه‌های قومی و ایلی، و قوم‌گرایی و ایل‌گرایی. برایندهایی چالش‌های ایجادشده سازمان‌دهی سیاسی فضا در استان‌های مطالعه، عدم توسعه متناسب با قابلیت‌های طبیعی و انسانی، و محرومیت زیاد این دو استان است که در پژوهش‌های صورت‌گرفته درمورد سنجش توسعه استان‌های کشور به‌وضوح دیده می‌شود. یکی دیگر از چالش‌های ناحیه‌ای از نظر سازمان‌دهی سیاسی فضا در سطح ملی که در منطقه مطالعه نمود بیشتری دارد، مشخص نبودن دقیق مدیریت واحدهای سیاسی است؛ زیرا در قانون تقسیمات کشوری ایران به مدیریت واحدهای سیاسی اشاره‌ای نشده است؛ درحالی که در تقسیمات کشوری حکومت‌های قبل از مشروطه، مدیران واحدهای سیاسی مشخص بودند. این امر باعث شده تا در اداره واحدها تداخل شکل گیرد؛ به‌نحوی که هرکدام از نهادهای نماینده ولی فقیه، دولت (استان‌داران، فرمان‌داران، بخش‌داران و دهیاران)، شوراهای و نیروهای نظامی در امور واحدهای سیاسی دارای نقش هستند و بدین ترتیب، مدیریت واحدی برای اداره بهینه واحدهای سیاسی وجود ندارد. این ضعف در منطقه مطالعه پیامدهای مختلفی داشته است؛ ازجمله عدم شکل‌گیری کاربری‌های مختلف فضای شهری براساس برنامه‌های تصویب‌شده مختلف، شکل‌گیری گتوهای شهری و افزایش حاشیه‌نشینی.

8- پیش‌نهادهای

- اعطای اختیار و اقتدار تصمیم‌گیری به واحدهای تقسیمات کشوری در زمینه اداری - اجرایی: این امر باعث تسریع تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، اداره بهتر امور محلی با توجه به نیازها و اولویت‌های آن‌ها، مشارکت بیشتر مردم در امور محلی و ناحیه‌ای و همچنین کاهش

رقابت‌های محلی و ناحیه‌ای و توسعه متعادل منطقه‌ای خواهد شد و در نتیجه، کارایی نظام تقسیمات کشوری افزایش می‌یابد.

- توجه به ترکیب قومی - فرهنگی دو استان آذربایجان غربی و ایلام و استفاده متناسب و متعادل از قابلیت‌های انسانی موجود در این دو استان جهت مدیریت سیاسی فضا که زمینه را برای توسعه آن‌ها و افزایش مشارکت مردم فراهم خواهد کرد.

- اصلاح شکل‌های نامتوازن، طولی و کشیده دو استان مرزی آذربایجان غربی و ایلام.

- بهره‌گیری از اصول عاملی و مناسب برای ایجاد و ارتقای واحدهای سیاسی در این دو استان و اجازه دخالت ندادن به عوامل قومی و ایلی و کسانی که از این راه سعی می‌کنند افکار عمومی را به هر دلیلی، از جمله کسب آرای بیشتر، به خود معطوف کنند.

- کیفی‌سازی مؤلفه‌های نظام تقسیمات کشوری.

- با توجه به مرزهای طولانی این دو استان با کشورهای همسایه ضروری است تا ایجاد مناطق آزاد و ویژه و بازارچه‌های مرزی برای سازمان‌دهی بهتر فضای آن‌ها و در نتیجه، توسعه و رفاه آن‌ها در اولویت قرار گیرد.

9- منابع

- احمدی‌پور، زهرا، «تقسیمات کشوری و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش 7 و 8، 1379.
- _____ «پای‌داری امنیت در بستر تقسیمات کشوری» در همایش امنیت عمومی و وحدت ملی، تهران، 1380.
- _____ «تحلیلی بر سیر نام‌گذاری واحدهای سیاسی - اداری در ایران»، مدرس علوم انسانی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، د 7، ش 2، تابستان، 1382.
- احمدی‌پور، زهرا، عزیزالله قنبری و محمدرضا حافظ‌نیا، «تأثیر الگوی تقسیمات کشوری بر توسعه فضای جغرافیایی (مورد مطالعه: استان زنجان)»، مدرس علوم انسانی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، د 14، ش 4، 1389.

- احمدی‌پور، زهرا و علیرضا منصوریان، «تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی در ایران (1285-1357)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س 2، ش 1، 1385.
- احمدی‌پور، زهرا و میثم میرزایی تبار، «نقش احساس مکانی در سازمان‌دهی سیاسی فضا»، آمایش محیط، ش 12، 1389.
- اخباری، محمد و محمدحسن نامی، جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، 1388.
- اخباری، محمد و محسن یداللهی، «فرایند تصمیم‌گیری تقسیم استان خراسان و اثرات سیاسی - اجتماعی آن»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س 2، ش 1، 1384.
- اطاعت، جواد و سیده‌زهرا موسوی، «تقسیمات کشوری و توسعه پایدار (مطالعه موردی: ایران)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س 4، ش 3، پاییز و زمستان، 1387.
- اعظمی، هادی و علی‌اکبر دبیری، «تحلیل عناصر تهدید سیاسی - امنیتی در نظام تقسیمات کشوری ایران»، مدرس علوم انسانی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، د 15، ش 4، زمستان، 1390.
- افشار سیستانی، ایرج، ایلام و تمدن دیرینه آن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1372.
- بدیعی، ربیع، جغرافیای مفصل ایران، ج 2، تهران: اقبال، 1362.
- پورموسوی، سیدموسی، مهدی میرزاده کوهشاهی و جهانبخش رهنما قره‌خانگللو، «سازمان‌دهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س 4، ش 3، پاییز و زمستان، 1387.
- پیشگاهی فرد، زهرا و بهادر غلامی، «بررسی تأثیر شکل جغرافیایی استان ایلام بر توسعه آن»، مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ش 8، زمستان، 1391.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران، «قومیت و سازمان‌دهی سیاسی فضا»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ش 2، 1384.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت، 1381.
- حاتمی‌نژاد، حسین و همکاران، «سنجش درجه توسعه‌یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: شمال غرب کشور، شهرستان‌های جنوبی استان آذربایجان غربی)»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، س 2، ش 6، پاییز، 1390.

- چوخاچی‌زاده مقدم، محمدباقر و داوود امینی قشلاقی، «بسترهای ایجاد ناامنی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی از منظر جغرافیای نظامی - امنیتی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س 6، ش 3، پاییز، 1389.
- خیتال، جعفر، مجموعه آرا درمورد سرزمین پشتکوه، ایلام: فرهنگ، 1369.
- شیرانی، حسین، ساماندهی مکان، تهران: آذرخش، 1390.
- صحرایی، محمد، تاریخ دفاع مقدس در استان ایلام (1359-1367)، بی‌جا: نشر فاتحان، 1389.
- کاویانی‌راد، مراد، ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1389.
- کریمی‌پور، یدالله، مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری ایران، ج 1: وضع موجود، تهران: انتشارات انجمن جغرافیایی ایران، 1381.
- کریمی‌پور، یدالله و حمیدرضا محمدی، ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری، تهران: انتخاب، 1388.
- کرمی، افشین، تحولات جغرافیای سیاسی مرزهای غربی ایران در 200 سال اخیر و چشم‌انداز پیش رو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، تهران، 1388.
- رهنما، محمدرحیم و زهرا احمدی‌پور، «درجه‌بندی نظام تقسیمات کشوری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش 69، تابستان، 1382.
- عزتی، عزت‌الله، ژئوپلیتیک، ج 6، تهران: سمت، 1385.
- علیزاده، علی و حسن ابراهیم‌زاده، سیمای ایلام، قم: عصمت، 1377.
- میرزایی، کریم، توسعه اقتصادی و همگرایی ملی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، 1384.
- مویر، ریچارد، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، 1379.
- گزارش اقتصادی، اجتماعی استان ایلام در سال 1384، معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، 1385.

- ملکی، سعید و توران احمدی، توسعه فضایی - کالبدی شهر ایلام، ایلام: دانشگاه ایلام، 1389.

- میرحیدر، دره، اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: سمت، 1381 الف.
- میرحیدر، دره و قربان‌علی ذکی، «بررسی نظام جغرافیایی - سیاسی ناحیه‌ای و امکان‌سنجی آن در ایران»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش 42، بهار، 1381 ب.
- ولی‌پور زرومی، سیدحسین، گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1383.
- یعقوبی، علی و کریم یعقوبی، ایلام دوره پهلوی؛ از سقوط نظام والیگری تا سقوط سلسله پهلوی (1307 ش. 1357 ش)، ایلام: جوهر حیات، 1390.

- Ahmadi Pour, Z., "Stability of Security in the Context of Administrative Divisions" in *Conference on Public Security and National Unity*, 2001. [in Persian]
- _____ "Analysis Naming the Course of Political-Administrative Units in of Iran", *Madras Journal*, Vol. 7, No. 2, 2003. [in Persian]
- Ahmadi Pour, Z. & A.R. Mansourian, "Country Division and Political Instability in of Iran, (1357 - 1285)", *Journal Geopolitics*, Yr. 2, No. 1, 2006. [in Persian]
- Ahmadi Pour, Z. & M. Mirzaei Tabar, "The Role of Sense of Place on Political Organization of Space", *Amayesh Geographical Journal*, No. 12, Spring, 2010. [in Persian]
- Ahmadi Pour, Z., A. Ghanbari & M. Hafeznia, "Effect of Administrative Pattern Divisions on the Development of Geographical Space (Case Study: Zanjan Province)", *The Journal of Spatial Planning*, Vol. 14, N. 4, Winter, 2010. [in Persian]
- Akhbari, M. & M. Nami, *Geographical Boundaries; With Emphasis on the Iranian on the Border*, Tehran: National Geographical Organization Publication, 2009. [in Persian]

- Akhbari, M. & M. Yadollahi, "The Decision- Making Process in Division of Khorasan Province and its Political and Social Impact", *Journal Geopolitics*, Yr. 1, No. 2, 2005. [in Persian]
- Alizadeh, A. & H. Ebrahimzadeh, *Portrait of Ilam*, Esmat Publication, 1998. [in Persian]
- Ansell, Christopher K. & Palma, Giuseppe Di, *On Restructuring Territoriality: Europe and North America*, Cambridge University Press, 2002.
- Azami, H. & A.A. Dabiri, "Analysis Threats Elements of Political- Security in the Administrative Divisions System Iran", *The Journal of Spatial Planning*, Vol. 15, No. 4 (72), winter, 2011. [in Persian]
- Badiei, R., *Detailed Geography of Iran*, Vol. 2, Tehran: Iqbal, 1984. [in Persian]
- Chokhachizadeh Moghaddam, M.B. & A. Qeshlaqi, "Grounds behind Insecurity in Border Areas of West Azerbaijan Province from the Viewpoint of Military-Security Geography", *Journal Geopolitics*, Yr. 6, No. 3 (19), 2010. [in Persian]
- Ezzati, E., *Geopolitics*, Tehran: SAMT, 2006. [in Persian]
- Gantsho, Mandla S.V., "Cities as Growth Poles Implications for Rural Development", *Annual Meetings Seminar Held in Maputo*, Mozambique, 2008.
- Hafez Nia, M.R., *The Political Geography of Iran*, Tehran: SAMT, 2002. [in persian]
- Hafez Nia, M.R., M. Ghamsari & H. Ahmadi, "ethnic and political organization of space (the West and North West of Iran)", *geopolitics Quarterly*, No. 2. Pp. 5-35, 2005. [in Persian]
- Hataminezhad, H. Et al., "Measuring the Degree of Industrial Development in the Border of Iran (Case Study of Northwest Iran, Southern cities of West Azerbaijan Province) ", *Journal of Reserch and Urban Planning*, Yr. 2, No. 6, 2010. [in Persian]
- Karami, A., *Political Geography Evolutions in Iran's Western Boundaries in the Last 200 Years and the Perspective Ahead*, Master Thesis, University of Tehran, 2009. [in Persian]

- Kaviani Rad, M., *Regionalism in From the Perspective of Political Geography*, Tehran: Strategic Studies Institute Publications, 2010. [in Persian]
- Karimi Pour, Y., *Introduction to Iran's Administrative Divisions*, Tehran: SAMT, 2002. [in Persian]
- Karimi Pour, Y. & H.R. Mohammadi, *Geopolitical Regionalism and Country Division in Iran*, Tehran: Selected Publications, 2009. [in Persian]
- Khital, J., *Assemblages of Votes in Concerning Poshtkouh Territory*, Farhang Publications, 1990. [in Persian]
- Management and Planning Organization of Ilam, *Economic and Social Report of the Ilam Province*, 2005. [in Persian]
- Maleki, S. & T. Ahmadi, *Ilam city Spatial Development*, Ilam: University of Ilam, 2010. [in Persian]
- Mirhaidar, D., *Principles of Political Geography*, Tehran: SAMT, 2002 a. [in persian]
- Mirhaidar, D. & Y. Zaki, "Study of Geography- Regional Regime and its Feasibility in Iran", *Geographical Reserch Quarterly*, Vol. 42, Issue 0, March 2002 b. [in Persian]
- Mirzaei, K., *Economic Development and National Integration*, Master Thesis, University of Tehran, 2005. [in Persian]
- Muir, R., *Political Geography: A New Introduction*, D. Mirheydar (Trans.), National Geographical Organization Publication, 2000. [in Persian]
- Pishgahifard, Z. & B. Gholami, "A Study of the Effect of Geographical Shape of Ilam Province", *Journal of Zonal Planing*, Yr. 2, No. 8, 2012. [in Persian]
- Pour Mousavi, M. & M. Mirzadeh, "Political Organization of Space and Cultural and Functional Areas in Iran", *Geopolitics Journal*, No. 13, 2008. [in Persian]
- -Rahnama, M.R. & Z. Ahmadi Pour, "Gradation of Administrative Divisions System", *Geographical Research Quarterly*, Vol. 18, No. 2 (69), 2003. [in Persian]
- Vali Pour, S.H., *National Security Discourse in Republic Islamic of Iran*, Institute of Strategic Studies, 2004. [in Persian]
- Yaghoubi, A. & K. Yaghoubi, *Ilam in the Pahlavi Period; of the Valygry Fall up to Pahlavi fall*, Ilam: Haiat Johar Publication, 2011. [in Persian]